

بنیاد ایده امت واحده اسلامی بر «دوستی» در رهیافت سیاسی امام خمینی(ره)

مجتبی عطارزاده^۱

چکیده

هدف: این مقاله به منظور پاسخگویی به این سؤال اساسی که "کارکرد ساز و کار برادری و دوستی در ایجاد همگرایی بین مسلمین جهان در آراء مرحوم امام چیست؟" بر آن است تا صحت فرضیه "تأکیدات مرحوم امام بر پایه اصل قرآنی مودت و دوستی مسلمین، ضرورت اتخاذ مشی واحد مسلمانان در قبال مصالح امت اسلامی و از جمله مقابله با دشمن مشترک که به حاشیه رفتن اختلافات را سبب می‌گردد، زمینه تفاهم و همدلی ملل مسلمان به منظور نیل به حیات طیبه را فراهم آورد" را مورد سنجش قرار دهد.

روش‌شناسی پژوهش: این نوشتار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای این موضوع را کاویده که همان‌گونه که در مقیاس ملی با تقویت دوستی و محبت بین احاد مردم، زمینه ارتقاء قدرت ملی از رهگذر اتحاد و همدلی بیشتر فراهم می‌آید، در عرصه جهان اسلام نیز نقش آفرینی مفهوم مودت و دوستی در شکل‌گیری "ید واحده" به منظور تحکیم اقتدار اسلامی، انکارناپذیر است.

یافته‌ها: این پژوهش نشان می‌دهد ایده متعالی رهبر راحل انقلاب در تقویت هر چه بیشتر مودت و دوستی معطوف به همگرایی ملل مسلمانان - صرف نظر از تفاوت‌های اعتقادی - اهمیت تشکیل امت واحده به منظور تحقق حیات طیبه اسلامی با بی‌اعتنایی به نقشه‌های شوم دشمنان خواهان ذلت دنیای اسلام در دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای راه به همه مسلمانان جهان ثابت نمود.

نتیجه‌گیری: بررسی دیدگاه‌های مرحوم امام(ره) در خصوص اتحاد مسلمین گواه آن است که آن بزرگوار با تمرکز بر عوامل و عناصر معنوی و غیرمادی، هدف ایده بلند امت واحده اسلامی در طرح همگرایی مسلمین را با آگاهی ژرف نسبت به ایجاد ضرورت رابطه دوستی و مبتنی بر محبت بین مسلمین از رهگذر تحقق تفاهمی و نه صرفاً اخلاقی بلکه در چارچوبی هنجاری و شکل‌گیری نوعی رابطه بین‌الذنهانی بین احاد مسلمین در نیل به حیات طیبه مطمح نظر قرار داده بود.

کلید واژه‌ها: حیات طیبه، دوستی، همگرایی، امت اسلامی، امام خمینی(ره).

مقدمه

در علم سیاست درباره مفهوم دوست در مقایسه با مفهوم دشمن، خیلی کم نظریه‌پردازی شده است. در اولین نگاه، علت این امر چیزی جز تسلط روح واقع‌گرایی، کسب منافع ملی، فقدان مرجع اقتدار مرکزی و به‌طور کلی هرج و مرج در نظام بین‌المللی نیست. پس در چنین ساختاری، هر کس به‌عنوان رقیب و دشمن به حساب می‌آید و اگر دوستی‌ای هم باشد موقتی و ناپایدار است. دلایل تجربی همچون طرح دشمنی و جنگ به‌عنوان دغدغه ذهنی سیاستمداران در طول تاریخ بین‌الملل و نیز گواهی شواهد تاریخی بر این‌که کشورها بیشتر در دشمنی پایدار یا رقابت به سر برده‌اند تا دوستی، باعث شده است که در حوزه نظری روابط بین‌الملل نیز توجه به دشمنی جایگزین توجه به دوستی شود (ونت، ۲۰۰۵: ۴۳۴). بر این اساس، هر چند به نظر می‌رسد که سیاست و دوستی رابطه‌ای با هم ندارند و حتی وارد شدن به عرصه سیاست به معنای کنار رفتن دوستی و غلبه رقابت و دشمنی است، اما از دیرباز رد پای دوستی در روابط سیاسی مشهود بوده است و همگام با کثرت‌گرایی در روابط بین‌الملل طی سال‌های اخیر، توجه به دوستی الهام‌بخش مفهوم پردازی‌ها و نظریه‌پردازی‌ها در این عرصه، بیشتر شده است. به‌عنوان نمونه در دیدگاه ونت، دوستی با وجود این‌که در سطوح متفاوت رفتاری تا هویتی مطرح می‌شود اما جنبه عاطفی آن چندان مورد تأکید نیست، حال آن‌که برای هایمن دوستی ابزاری را باید از دوستی حقیقی که مبتنی بر حس محبت و عشق است، جدا کرد (هایمن^۲، ۲۰۱۶: ۸۵). در نتیجه، دوستی که مفهومی بود بیشتر در روابط اجتماعی بیناشخصی معنی پیدا می‌کرد، به تدریج در حوزه‌های دیگری مانند علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در راستای کاهش تنش و همگرایی^۳ جهانی، مجالی از طرح پیدا نموده است.

همگرایی، تبیینی برای برخی فرایندها در روابط بین‌الملل و راهکاری به منظور رفع تنش‌ها در سطح جهان و منطقه می‌باشد (گریفیتس^۴، ۲۰۰۹: ۱۱۰۰). نظریه‌پردازان همگرایی، بر سر تعریف دقیق این واژه، توافق کامل ندارند. طبق تعریف ارنست هاس^۵، همگرایی فرآیندی است که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد سیاسی مجزا ترغیب می‌شوند تا وفاداری‌ها، فعالیت‌های سیاسی و انتظارات خود را به سوی مرکز جدیدی معطوف سازند که نهادهای این مرکز یا از صلاحیتی برخوردارند که دولت‌های ملی موجود را تحت پوشش خود قرار دهند و یا چنین صلاحیتی را می‌طلبند (هاس، ۱۹۷۰: ۳۶۹). لیندبرگ^۶ نیز، همگرایی سیاسی را فرآیندی می‌داند که طی آن بدون کاربرد خشونت گروه‌بندی‌های جدیدی میان کشورها به‌وجود آمده و در آن شاهد تصمیم‌گیری مشترک، منظم و مستمری هستیم که معلول و یا جزئی از روند تکوین تدریجی نوعی نظام تصمیم‌گیری دسته جمعی میان ملت‌ها شده است (لیندبرگ، ۲۰۰۸: ۶). در این نظام

-
1. Wendt
 2. Himan
 3. Integration
 4. Griffiths
 5. Ernst Hass
 6. Lindberg

تصمیم‌گیری، واحدهای سیاسی به منظور نیل به غایات مشترک خود، به‌طور اختیاری بخشی از حاکمیت و اقتدار عالی خود را به مرکزی فراملی وا می‌نهند؛ به دیگر بیان، در همگرایی، کشورها با گذر از عوامل اختلاف برانگیز و تعصبات ملی‌گرایانه در جهت رسیدن به اهداف جمعی و منافع مشترک تا آن‌جا به هم نزدیک می‌شوند که نظام پیشین، جای خود را به نظام جدیدی از روابط، می‌سپارد (ولایتی و سعید محمدی، ۲۰۱۰: ۱۵۳).

در نگاه انسان‌مدارانه اسلام نیز که تلاش برای اثبات خود در رد دیگری نیست، بلکه هدف اثبات خود در تعامل با دیگران است، امکان انتقال پیام و گسترش و مراوده با جهان و روابط بین‌الملل از طریق همگرایی مبتنی بر دوستی بهتر از مکاتب دیگر مهیا و فراهم است (ریوز، ۲۰۰۷: ۲۲۳). وقوع انقلاب اسلامی در ایران و طرح حکومت جهانی اسلام بر پایه منظومه فکری رهبر راحل آن، طلوعه خوش احیای نگاه انسان‌مدارانه اسلام ناب محمدی (ص) در کنار نهادن حجاب‌ها و مرزهای اقلیمی، علایق ملی، منافع فردی و وابستگی‌های فکری و فرهنگی و گرد آوردن «امت» در کانون واحدی بدون تعلق به فرهنگ، نژاد و زبان و ویژه‌ای بر پایه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های این آئین الهی را نوید داد. در اسلام سه عنصر محوری وجود دارد: «ساختار فطری همه انسان‌ها یکی است، هدف و پایان سیر وجودی همه انسان‌ها یکی است و در نهایت مبدأ فاعلی، مبدأ غایی و مبدأ مادی همه یکی است» (جوادی آملی، ۲۰۱۱: ۵۱). در عین حال اسلام آخرین دین و کامل‌ترین آن است و بر این اساس از نظر شریعت، قوانین برتری برای تمام امور زندگی فردی از بدو تولد تا زمان مرگ جهت نیل انسان‌ها به سعادت عرضه می‌کند (حنیف حسن، ۲۰۰۷: ۲). پیشگامی ایران انقلابی در تأکید بر این واقعیت، به معنای اعلام آمادگی برای طرح جهانی این پیام سعادت بخش و نیز به جان خریدن هزینه‌های مقابله و مواجهه با امواج مخالف وحدت و همدلی مسلمانان در تحقق این آرمان بلند در شرایط ناامنی و بحرانی حاکم بر نظام بین‌الملل بود.

براساس نگرش معمار این جریان رهایی‌بخش (حضرت امام خمینی (ره))، ایجاد تحول در جهان اسلام و رهندن آن از واگرایی و تقویت زمینه‌های همگرایی به منظور صعود به قله رفیع خلیفه الهی، بدون رویکردی نوین بر مبنای اصول دینی، از طریق دیگری امکان‌پذیر نبود. امام راحل به درستی دریافته بود که عمده‌ترین مانع در رفتار مسالمت‌آمیز با پیروان مذاهب مختلف و طرح دوستی با آنان به منظور ایجاد جبهه‌ای متحد در برابر مستکبران عالم، نگاه فقیهانه به این مسئله است. بسیاری از مخالفان رفتار مسالمت‌آمیز، با حکم فقهی به مسئله مودت و دوستی با مسلمانان پیرو سائر مذاهب می‌نگریستند، در حالی که موضوع همگرایی در وهله نخست موضوعی کلامی است تا فقهی و در مرحله بعد موضوعی اخلاقی است و سپس حقوقی و در نهایت، جنبه فقهی آن مدنظر قرار می‌گیرد. کنار گذاشتن اختلافات و تقویت دوستی و برادری مسلمانان حول محور اسلام ناب که دارای قاعده بسیار پایداری در میان لایه‌های آسیب‌پذیر و محروم جامعه است، می‌توانست به‌عنوان راهکاری اساسی تحولات بنیادین را در ساختار اجتماعی - سیاسی دنیای اسلام سبب

گردد و با بازگرداندن عظمت از دست رفته، زمینه طرح آن به منزله قدرتی نوظهور در معادلات جهانی را فراهم نماید. از این رو، نظام جمهوری اسلامی بنیاد شده توسط امام راحل، نظامی حکومتی بر پایه باور به تئوری بودن کلام و معرفت کلامی به عنوان دکترین اداره و کنش سیاسی، در تلاش برای تطبیق خود با دکترین‌های کلام سیاسی، به نوعی الگوریتم‌های فقه سیاسی و دینی تعامل و ارتباط با ملل مسلمان را بر پایه رفق و مدارا دنبال نمود.

ادبیات و پیشینه موضوع

- جمشیدی‌ها و همکار (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی آثار وحدت و تفرقه امت اسلامی در اندیشه امام خمینی(ره)» بر این عقیده‌اند که همبستگی مسلمانان برکات زیادی به همراه دارد و چنانچه جدایی و گسست جای اتحاد اسلامی را بگیرد، نه تنها ایده امت اسلامی شکل نمی‌گیرد بلکه با زوال آئین ناب محمدی(ص)، با مسلط شدن جهان خوارگان بر دنیای اسلام، استقلال کشورهای اسلامی زائل خواهد شد.

- حکیمی (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های اهتمام امام خمینی(ره) در تبیین تلاش‌های امام در مسیر وحدت سیاسی مسلمانان» معتقد است امام همواره در سخن‌ها و پیام‌هایش بیشترین تأکید را بر وحدت کلمه مسلمین داشته و در عمل نیز سیاست امام بر مبنای همکاری با همه کشورهای اسلامی و حمایت از مسلمانان تحت ستم بوده است.

- حیدری (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «تقریب و همگرایی در اندیشه فقهی امام خمینی» با تشریح آرای امام خمینی(ره) درباره‌ی ماهیت تقیه‌ی مداراتی، حکم تکلیفی و محدوده‌ی تقیه‌ی مداراتی، اجزای عمل مقرون به تقیه (چه تقیه‌ی خوفی، چه تقیه‌ی مداراتی) و مشروط نبودن تقیه به عدم مندوحه، و مقایسه‌ی این آراء با دیدگاه فقهای دیگر، اهمیت تقریب و همگرایی در اندیشه‌ی فقهی امام خمینی(ره) را تبیین نموده است.

- آذین و همکاران (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «وحدت جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی(ره)» آورده‌اند هر چند جهان اسلام به دلیل منابع انسانی و طبیعی و ذخایر استراتژیک و از سویی اشتراک دینی، دارای قابلیت‌های فراوانی برای تبدیل شدن به یک قدرت اثرگذار در هندسه قدرت جهانی است، اما به دلیل برخی عوامل و زمینه‌های داخلی و خارجی، دچار چالش‌های جدی است و تاکنون از این پتانسیل عظیم استفاده شایسته‌ای نشده است.

- جمشیدی و همکار (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «ویژگی همبستگی و وحدت اسلامی در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی(ره)» با توجه به اهمیت موضوع وحدت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) در صدد بررسی تحلیل گفتمان امام راحل در خصوص ماهیت اتحاد و همدلی، بر آمده‌اند.

- استیری (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «وحدت ملی و انسجام اسلامی در سیره نظری و عملی امام خمینی» بر این باور است که از نظر امام می‌توان از طریق عمل به احکام عادلانه‌ی اسلام و تشکیل حکومت اسلامی وحدت ملی را در کشور و انسجام اسلامی را در بین ملت‌های مسلمان ایجاد کرد. نتیجه حاصل از

این مقاله این است که امام خمینی(ره) همه‌ی مردم ایران را از هر نژاد و زبان و مذهب به حفظ وحدت ملی و همچنین مسلمانان را نیز به انسجام اسلامی دعوت کرده‌اند. هر چند هر یک از مطالعات پیشین، زوایای مختلف موضوع همگرایی اسلامی از منظر بنیانگذار جمهوری اسلامی را کاویده‌اند، اما تحلیل موضوع تلاش برای ایجاد امت واحده اسلامی از زاویه کاربست اصل قرآنی مؤدّت و دوستی بین مسلمانان توسط مرحوم امام(ره)، چندان مورد عنایت قرار نگرفته که این قلم در راستای تکمیل پژوهش‌های پیشین، این مهم را وجهه‌ی همت خود قرار داده است تا بر غنای ادبیات این حوزه، افزوده گردد.

چارچوب نظری

نظریه سازه‌انگاری (Constructivism) به‌عنوان یک رویکرد کارآمد و میانه -رتالیسم و لیبرالیسم- برای بررسی پدیده‌ها و رفتارهای سیاسی در عرصه بین‌المللی و سیاست خارجی است. از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ سازه‌انگاری به یکی از تئوری‌های اصلی روابط بین‌الملل تبدیل شده است. سازه‌انگاری معتقد است ساختار بین‌الملل نه امری از پیش داده شده بلکه امری برآمده از دیالکتیک دائمی ساختارها و بازیگرانی است که براساس معانی ذهنی خود دست به کنش می‌زنند و در نهایت در یک ذهنیت مشترک، واقعیت را می‌سازند. این نظریه به دنبال درک اندیشه‌های مفهومی^۱ در کنار سازه مادی گرایانه رایج در روابط بین‌الملل است. سازه‌انگاری اندیشه‌های مذهبی، هنجارین و هویت‌های مؤثر در روابط بین‌الملل را برای درک بهتر آن می‌پذیرد و آنها را بخش مهمی از واقعیت‌های روابط بین‌المللی می‌داند که می‌تواند رفتار کشورهای مختلف را در فرهنگ‌های مختلف مورد فهم و درک قرار دهد. از آن‌جا که سازه‌انگاری ضمن توجه به متغیرهای هنجارین مثل دین، آن را همانند جریان اصلی روابط بین‌الملل تابع انتخاب عقلانی می‌داند (کوبالکو، ۲۰۰۰: ۶۷۷)؛ و نیز رویکردی است که بر اهمیت واسطه‌ها (مردم و گروه‌ها) و مفاهیم مشترکی تأکید دارد که آنها برای شناخت هویت‌ها، منافع، نهادها و ادراک‌های تأثیرگذار بر رفتار بین‌المللی‌شان ایجاد می‌کنند، می‌تواند چارچوب تئوریک مناسبی برای انجام تحقیق حاضر به‌شمار آید.

دوستی در چشم‌انداز فلسفه سیاسی

الکساندر ونت با نگاهی سازه‌انگارانه بر آن است که فرهنگ‌های دشمنی و رقابت که معمولاً وجه مشخصه روابط بین‌الملل شناخته می‌شوند، تنها امکانات موجود نیستند و دولت‌ها می‌توانند در تعاملات خود به تدریج به هویت دوستی برسند و تعریفشان از یکدیگر بر این اساس استوار گردد. در چنین شرایطی، یگانگی میان آنها شکل می‌گیرد و اشتراک منافی برای خود در نظر می‌گیرند. از نظر ونت، هویت حاصل تعاملات همکاری جویانه میان واحدها در طول زمان است که در وهله نخست به شکل عدم توسل به زور در روابط

1. Ideational Ideas

2. Kubalkova

و امنیت دسته جمعی در سطح رفتاری و بر اساس منافع افرادی یا حتی اجبار است، اما می‌تواند از این سطح رفتاری فراتر رفته و با درونی‌سازی، به یک هویت مبتنی بر دوستی شکل دهد (ونت، ۲۰۰۵: ۳۰۳).

هر چند دوستی‌ها بر همانندی‌های هویتی زمینه‌ساز منافع مشترک بنیاد می‌گردد، اما شرط ادامه این دوستی‌ها تداوم انگیزه‌های قوی از جنس باورهای فرهنگی و به نوعی وجود مشوق‌های مؤثر در پایداری آن‌ها است و گر نه دوستی شکل گرفته در اثر عوامل مخل بیرونی، در معرض آسیب و زوال قرار خواهد گرفت (گارتزک و ویسیگر^۱، ۲۰۱۳: ۱۱۲).

فارابی نیز از جمله اندیشمندان مسلمان است که فلسفه سیاسی را بررسی اخلاق و کردار پسندیده و چگونگی تحصیل و صیانت از آن‌ها در اجتماع می‌داند (فارابی، ۲۰۱۱: ۷۴). وی مصداق آرمانشهر را جامعه‌ای می‌داند که اهل آن با برخورداری از خلق و خو و ویژگی‌های پسندیده اخلاقی، همدیگر را به منظور نیل به بهترین‌ها مدد می‌رسانند.

دوستی در منظومه تفکر سیاسی اسلام

ذات سیاست در هر اندیشه‌ای به بنیان‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و تعامل متن و زمینه اجتماعی، ربط وثیق دارد. در تاریخ اندیشه سیاسی اسلام در تعامل متن و زمینه می‌توان دو تلقی از ذات و جوهر سیاست را مشاهده کرد. رویکردی که سیاست را عرصه هم‌ستیزی و طرد و نفی غیرخود تلقی می‌کند و گفتگویی که مفاهیم و همسازگی در جامعه سالم را پی می‌جوید. دوستی در اندیشه سیاسی اسلام را می‌توان در رویکردی تبارشناسی کرد که کانون آن «سیاست دوستی» و نفی «همستیزی» است. در آموزه‌های اسلامی مبتنی بر سازگاری محبت و ملاحظت با سرشت و فطرت آدمی، بر تلاش مؤمنان برای پیدا کردن دوستان و جذب آنان به این فضیلت اخلاقی تا آن حد تأکید می‌گردد که حتی بتوانند از دشمنان دوست بسازند. برخورد محبت آمیز رسول خدا(ص) با دیگران که با استفاده از این خصلت ستودنی توانست طی ۲۳ سال رنج و تلاش دل‌های بسیاری از مردم را شیفته‌ی خود کند و رابطه‌ی خود را هر روز با مؤمنان استحکام بخشد، نمونه عالی سیاست مذکور است. قرآن کریم در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران در این باره می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ: به موجب رحمتی که خداوند به تو عنایت کرد، برای آنان نرم شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از تو دوری می‌جستند». بعد از فتح مکه، پیامبر(ص) به مشرکان فرمود: شما در مورد من چگونه می‌اندیشید؟ مشرکان گفتند: «ما جز نیکی و محبت از تو انتظاری نداریم! ما تو را برادری بزرگوار و فرزند برادر بزرگوار خود می‌دانیم.» رسول خدا(ص) فرمود: «من آن چه را برادرم یوسف(ع) در مورد برادران ستمگر خود انجام داد، همان می‌کنم و همانند او می‌گویم: «... لا تثریب علیکم الیوم...! (یوسف: ۹۲) امروز ملامت و سرزنشی بر شما نیست...»

آن رهبر مهربان، مردم نگران را آرام کرد و فرمود: «امروز روز نبرد و انتقام نیست، بلکه روز رحمت و محبت است. من از تمام جنایات و گناهان شما گذشتم و آن جمله‌ی معروفش را فرمود: «اذهبوا فانتم الطلقاء» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق. ج ۲۱: ۱۳۲)؛ به دنبال زندگی‌تان بروید که همه‌ی شما آزاد هستید».

امام علی(ع) نیز در سیره‌ی تربیتی خود جهت تحکیم روابط دوستی به اصل تألیف قلوب و مدارا بسیار توجه داشت و می‌فرمود: «قلوب الرجال وحشیة فمن تألفها اقبلت علیه (حکمت ۵۰)؛ دل‌های مردم وحشی و پراکنده است؛ لذا به کسی روی می‌آورند که با آنان محبت و مدارا کند.

با چنین رویکردی، سیاست نه به‌مثابه محملی برای بروز تضاد منافع، بلکه به‌عنوان بخشی از زیست اجتماعی انسان تلقی خواهد شد که هدف آن به جای تلاش به منظور دستیابی به حداکثر منافع مبتنی بر تضاد، تعارض و کشمکش، کمک به «بهزیستی» و «سعادت» از رهگذر همبستگی و تعاون اجتماعی است. این در حالی است که معمولاً ذات و جوهر سیاست مبتنی بر ستیزش و همستیزی، هرگز اجازه تهی شدن زندگی اجتماعی از دشمنی و ستیز را نمی‌دهد. در این رویکرد، با تعریف آنتاگونیسم^۱ گونه امر سیاسی که قوام بخش جوامع بشری در گرو آن می‌باشد، تمایز «ما/آنها» جزء لاینفک هویت‌های جمعی است (احمدی، ۲۰۱۲). امر سیاسی از این منظر که جوهر امر سیاسی در بستر یک ستیزه‌گری -دشمنی- عینی با منطقی ستیزش پیشه‌ی دوین و دوانگاری همراه است؛ بدین معنا که منشأ هرگونه «دو قطبی سازی» و «کردارهای شکاف‌انداز» را، روابط قدرت و یا به تعبیر نیچه نوعی کینه‌توزی نسبت به قطب مخالف، به‌طور پیشینی تقابل آنتاگونیستی شرط ذاتی و وجودی سیاست فرض می‌شود (هادوت^۲، ۱۹۹۸: ۱۰۱).

مناسبات سیاسی از چنین نگاهی با ویژگی تفاوت‌گذار یا همان رابطه‌ی دوست-دشمن، فهم می‌شود. از نظر طرفداران سیاست مبتنی بر آنتاگونیسم، این رابطه متضمن خلق «ما»یی است که در تضاد با «آن»ها قرار می‌گیرد. امر سیاسی همواره باید با تضادها و تعارض‌ها یا آنتاگونیسم‌هایش دست به‌گریبان باشد. کارل اشمیت که چنین رویکردی را تئوریزه کرده، پدیده‌ی امر سیاسی را تنها بر زمینه‌ی امکان همواره حاضر گروه‌بندی دوست و دشمن درک می‌کند. از این منظر، ایجاد یک رابطه‌ی خصمانه که اغلب منجر به تولید یک «دشمن» یا «دیگری» می‌شود، برای تأسیس مرزهای سیاسی امری حیاتی است (اشمیت^۳، ۲۰۱۰: ۱۹۳)؛ و لذا هیچ‌گاه وحدت، که هدف سیاست اسلامی است، رنگ عینیت نمی‌یابد و خاصیت آن همچنان تنازع و تفرقه خواهد بود. هر توافقی هم به‌دست آید موقت و جزئی و تمهیدی است، زیرا که هر اجتماعی بالضرورة بر پایه‌ی طرد و نفی بنا شده است (تاجیک، ۲۰۱۱: ۳۳).

این در حالی است که با توجه به‌وجود نسبت وثیق هر گفتمان سیاسی با شناخت آن از انسان (نوری، ۲۰۱۴: ۱۹)، قرار دادن ویژگی‌های ناظر به چگونگی نگاه اسلام به نوع انسان و به‌عبارت دیگر گفتمان اسلامی در عرصه مناسبات سیاسی در آیات مختلف قرآن، در زنجیره واحد و مفصل‌بندی آن‌ها، از نظم

1. Antagonism
2. Hadot
3. Schmitt

معنایی دال بر بنیادهای «جامعه سالم» از نظر قرآن کریم حکایت می‌کند. دوستی با مردم در کانون همه این نشانه‌ها و ویژگی‌ها قرار دارد و از همین‌رو سیاست دوستی در گفتمان علوی که معطوف به کسب رضایت خداوند و در ادامه آن جلب رضایت و سعادت عامه مردم و شکل‌گیری جامعه‌ای سالم و همبسته و عاری از دشمنی و خصومت است، ایجاب می‌کند که با تعامل دوستانه حکومت با مردم در تحقق هدف غایی خود یعنی سعادت امت در سایه اجرای احکام اسلامی، همبستگی اجتماعی شکل گیرد.^۱

انقلاب اسلامی؛ منادی دوستی معطوف به حیات طیبه مسلمانان

رهیافت غایت‌گرایانه انقلاب اسلامی ایران در جهت اعتلای معیارهای اخلاقی و اسلامی، سبب تقویت هر چه بیشتر ایدئولوژی این نظام در حوزه عملگرایی گردید. در رهیافت رهبر راحل انقلاب، اقتدار مسلمانان در سایه وحدت و همدلی به‌عنوان اصلی قرآنی، می‌توانست زمینه‌ی عزت و کرامت مطلوب مسلمانان، مستضعفین و محرومین را فراهم سازد (رضایی‌پناه و حاجی‌یوسفی، ۲۰۲۰: ۴۹). از این‌رو، انقلاب اسلامی با الهام از نهضت عزت بخش پیامبر اکرم(ص) و آموزه‌های قرآن کریم را می‌توان حرکت موفقیت‌آمیزی در دوره معاصر دانست که با ایستادگی در برابر سیاست‌های جهان‌خوران شرق و غرب به منظور ایجاد وابستگی و در نهایت ذلیل و خوار نمودن کشورهای اسلامی، نخستین جنبش سیاسی و اسلامی موفق بر اساس آموزه‌های قرآنی در دوران معاصر بود که به منظور احیای عزت مسلمین، با طرح پیام عزت‌آفرین دین، روحی از شادی و شرف را در کالبد جهان اسلام دمید (اسپوزیتو و وال، ۲۰۱۱: ۱۲۸). «پیام دین، همان پیام زندگی است که خدای سبحان از طریق پیامبر بزرگوارش همواره مؤمنان را به این حیات طیبه می‌خواند و به انتظار اجابت آنان می‌ماند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال: ۲۴)».

رهبر فقید انقلاب اسلامی در طلب چنین حیات پاکیزه‌ای بود که ظلم‌پذیری، سلطه‌گری، سکوت و انفعال در برابر مستکبران که حیات آنان مرهون استثمار مستضعفین بود را به شدت رد می‌نمود و کامیابی مسلمانان در ایران در رویارویی با استکبار جهانی را متعلق به تمامی بشر می‌دانست و از این‌رو با طرح مسأله صدور معنوی انقلاب اسلامی، دیگر ملل دربند دنیا را به قیام در برابر ظالمان ترغیب و دعوت نمود (پورااحمدی، ۲۰۰۷: ۹۶).

«ما که می‌گوییم انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم، می‌خواهیم این را صادر کنیم، می‌خواهیم این مطلب را، همین معنایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران، همین مسائلی که در ایران

۲. عَلِيكَ بِمَدَارَةِ النَّاسِ وَ اِكْرَامِ الْعُلَمَاءِ وَ الصَّفْحِ عَنِ زَلَاتِ الْاِخْوَانِ فَقَدْ اَدَّبَكَ سَيِّدُ الْاَوَّلِيْنَ وَ الْاٰخِرِيْنَ بِقَوْلِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ: اَعْظُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ صَلَّى مِنْ قَطْعِكَ وَ اَعْطُ مَنْ حَرَمَكَ: تو را سفارش می‌کنم به مدارای با مردم و احترام به علما و گذشت از لغزش برادران (دینی)؛ چرا که سرور اولین و آخرین، تو را چنین ادب آموخته و فرموده است: گذشت کن از کسی که به تو ظلم کرده، رابطه برقرار کن با کسی که با تو قطع رابطه کرده و عطا کن به کسی که از تو دریغ نموده است (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۷۵: ۷۱).

پیدا شده، ما می‌خواهیم این را صادر کنیم. ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم. عراق با ما الان مدت‌هاست دارد حمله می‌کند و ما هیچ حمله‌ای به آنها نمی‌کنیم. آنها حمله می‌کنند ما دفاع می‌کنیم... ما می‌خواهیم که این انقلابمان را، انقلاب فرهنگیمان را، انقلاب اسلامیمان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم. و اگر این انقلاب صادر شد، هر جا صادر بشود این انقلاب، مشکل حل می‌شود» (امام خمینی، ۲۰۰۸، ج ۱۳: ۹۱).

ایشان در جای دیگر، اصل صدور انقلاب را از ملزومات و تبعات ماهیت دینی و اسلامی آن عنوان نموده و استمرار و دوام آن را مورد تأکید قرار می‌دهند:

«ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم، چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله الا الله و محمد رسول‌الله(ص) بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم» (امام خمینی، ۲۰۰۸، ج ۱۳: ۱۱۷).

امام خمینی(ره) با اعتقاد به این‌که اسلام راه کمال و سعادت انسانی در دنیا و آخرت است، بر ارائه الگوی حیات طیبه از جانب نظام جمهوری اسلامی ایران به تمام جهانیان، تأکید بسیار داشتند که این امر افزون بر ارتقای سطح زندگی مردم و رفاه اجتماعی و اقتصادی جامعه‌ی ایرانی- اسلامی، می‌توانست ارزش‌های انقلاب اسلامی را به بهترین نحو ممکن ارائه و صادر کند:

«ما از خداوند می‌خواهیم که این نهضت اسلامی و نهضت انسانی سرمشق باشد از برای تمام مستضعفین، و همدار باشد بر مستکبرین. مستکبرین گمان نکنند که باید حکومت کنند بر مستضعفین و آنها را استعمار و استثمار کنند. مستضعفین حکومت را به‌عنوان حکومت نشناسند، بلکه به‌عنوان خدمتگزار بشناسند» (امام خمینی، ۲۰۰۸، ج ۷: ۱۱۹).

در واقع، امید به بیداری مسلمین و تلاش برای احیای مجد و عظمت از دست رفته دنیای اسلام، عامل تأکید بنیانگذار انقلاب اسلامی از منظری واقع‌گرایانه بر این واقعیت بود که آسیب دیدن نظام اسلامی در ایران منادی دوستی و همدلی مسلمین در عصر حاضر، خسارت بس عظیمی به همراه خواهد داشت. «و من به شما عرض کنم که اگر خدای نخواست، خدای نخواست، خدای نخواست اسلام در ایران سیلی بخورد، بدانید که در همه دنیا سیلی خواهد خورد؛ و بدانید که به این زودی دیگر نمی‌تواند سرش را بلند کند. این الان یک تکلیف بسیار بزرگی است که از همه تکالیف بالاتر است، حفظ اسلام در ایران» (امام خمینی، ۲۰۰۸، ج ۱۷: ۳۸۴).

اندیشه دعوت ملل مسلمان به معنویت امام خمینی(ره) در مواردی همچون حمایت از مبارزه‌ی حق طلبانه مستضعفین در برابر استکبار جهانی در جای جای گیتی، ائتلاف و اتحاد ملل مسلمان و وحدت جهان اسلام، عامل طرح مفاهیم مرتبط با صدور انقلاب در قانون اساسی به‌شمار می‌رود تا آن‌جا که حتی طبق بند ۱۶ اصل سوم قانون اساسی در خصوص تعهد جهانی در قبال دنیای اسلام، دولت را مکلف به تنظیم سیاست خارجی مبتنی بر اسلام، تعهد برادرانه نسبت به سایر مسلمانان و پشتیبانی ستمدیدگان عالم می‌نماید.

موارد فوق همگی دال بر این است که صیانت از نظام جمهوری اسلامی نه فقط یک امر داخلی بلکه در راستای پاسداری از آئین پیامبر و کتاب خدا، جلب همراهی دیگر مسلمانان کشورهای اسلامی به منظور

آزادی از یوغ ستم جهانخواران و همچنین عرضه الگویی نوین از توسعه بر مبنای آموزه‌های حیات بخش اسلامی که بتواند رفاه دنیوی و نیز دستیابی به کمال الهی را همزمان برای پیروان اسلام تضمین نماید، یک امر ضروری است. استمرار و پایداری بر این رویه، سبب درآمیختن و پیوند میان منافع ملی و مصالح اسلامی (فرا ملی) با یکدیگر گردیده و غایات این نظام را متفاوت از سایر نظام‌های سیاسی، جلوه‌ای رفیع آرمانی می‌بخشید.

بر این اساس و با عنایت به زمینه‌های تکوین نهضت اسلامی در ایران ۵۷، نمی‌توان از ضرورت اهتمام به ساخت الگوی حیات طیبه غفلت نمود و با بی‌تفاوتی از آن گذشت؛ چرا که این رویداد امری ناگهانی نبوده و ریشه‌های هویت‌خواهی آن در درازنای تاریخ معاصر، قابل شناسایی است. نقطه عزیمت این جریان به تلاش پهلوی اول برای مدرنیزه سازی کشور و بنیاد دولتی ملهم از الگوی مدرن غربی باز می‌گشت که با ترویج اباحه‌گری و ایدئولوژی ناسیونالیسم باستانگرا، قدرت دولتی را مضاعف ساخته و در برابر، موجب تضعیف ایدئولوژی و گفتمان تشیع گردیده بود. این روند، در پی محدود نمودن تأثیر دین بر سبک زیست مردم، تحقق دستورات قرآنی در عهد حاضر را مبهم جلوه می‌داد (غنی‌نژاد، ۲۰۱۰: ۵۳).

در واقع ایستادگی و رویارویی بزرگان دین و علمای آگاه در برابر این تهدید وارداتی، مشخص نمود اسلام شیعی در ایران، بیش از این که از جانب حکومت پهلوی مورد تهدید قرار گیرد، مورد خصومت مدرنیسم غربی است که در نتیجه خوی استعماری آن، مسلمانان اعم از شیعه و سنی خوار و ذلیل شده بودند و از این رو، دو جهت اصلی (داخلی و خارجی) در مبارزه انقلابیون، قابل تشخیص بود: در داخل، شاه و سیاست‌های وی هدف مبارزه را تشکیل می‌داد و در بُعد خارجی، با آمران اقدامات حکومت شاهنشاهی به منظور مدرنیزه کردن کشور و محدود ساختن حضور دین در عرصه عمومی یعنی کشورهای مدرن به خصوص آمریکا، مخالفت می‌گردید (سوری و سوری، ۲۰۱۴: ۵۶).

بر این اساس می‌توان چنین نتیجه گرفت که انقلابیون مسلمان در مقابله با مدرنیسم و نوسازی با الگوی غربی و وارداتی، نخستین گام (سلبی) را به جلو برداشتند و در وهله بعد که بسیار مهم‌تر و دشوارتر از مرحله نخست به نظر می‌رسید، باید مدل و الگویی جدید، کارآمد، واقع‌گرایانه و قابل دستیابی بر اساس مؤلفه‌ها و مبانی اسلامی، ایرانی را طی عملکردی اثباتی ارائه می‌نمودند تا قابلیت و ظرفیت اسلام در عصر حاضر برای مبارزه با جهان خواران به همه ملل مسلمان خواهان زندگی عزتمندانه روشن گردد. به بیانی بهتر می‌توان گفت که انقلاب اسلامی توانست در سال ۱۳۵۷ در اولین گام با سرنگون ساختن دولت دست‌نشانده پهلوی که مجری الگوی نوسازی غربی بود، مخالفت خود به صورت سلبی را با این شیوه نوسازی و دولت مدرن اعلام نماید، اما برای تکمیل روند پیروزی در برابر الگوی دولت مدرن، ارائه الگویی عملی بر پایه‌ی ایدئولوژی و معیارهای اسلامی در قالب گامی اثباتی به منظور نیل به توفیقی حقیقی، لازم می‌آمد تا خود به خود بستر صدور انقلاب نیز مهیا گردد.

با عنایت به آنچه گذشت، رهبر فقید نظام جمهوری اسلامی با صورت‌بندی مفهوم حیات طیبه در برابر حیات مبتنی بر کسب لذت و منفعت در نظام جهانی که سود مادی خود را به بالاترین حد رسانده (حوزه

اقتصاد) و قوانینی را تصویب کند که اختیارات فرد را حداکثر کرده و منفعت فردی را تضمین و تأمین نماید (حوزه سیاست)، واقعیت متعالی و معنوی را به‌عنوان جایگزین معرفی نمود که با بهتر شدن «انسان‌ها» تحقق پیدا می‌کند. این واقعیت متعالی با مفهوم حیات طیبه برابر است. مرحوم امام، حیات طیبه یعنی تأمین همه خیرات مورد علاقه انسان، یعنی سعادت دنیا و آخرت، یعنی نیل به آرامش و آسایش، سبک زندگی مؤمنانه و زیست ایمانی در مقابل ارزش‌های رائج جهان تحت حاکمیت پارادایم سرمایه‌داری را در گرو همگرایی مسلمانان و پرهیز از عوامل تفرقه‌انگیز، تشخیص داد.

مبانی قرآنی و روایی بنیاد ایده امت واحده اسلامی بر «مدارا و دوستی»

حداقل در دو آیه از آیات قرآن یعنی آیه ۹۲ سوره مبارکه انبیاء و آیه ۵۲ سوره مبارکه مؤمنون چنین آمده که «این امت، امت واحده است»: (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (انبیاء، ۹۲)) و (وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ (المؤمنون: ۵۲)) در سایه برادری از نوع دوستی است که اتحاد، همدلی، همکاری و محبت پدیدار می‌شود و جامعه از کژی‌ها و انحرافات روحی و اجتماعی و اعتقادی در امان می‌ماند و توازن اجتماعی در میان جامعه پدید می‌آید و فاصله طبقاتی کاهش و همگرایی تقویت می‌شود. بر اساس نظر قرآن، مودت و دوستی که بین مؤمنان ایجاد می‌شود، رابطه‌ای است که از آن تحت عنوان «اخوت» یا «برادری» یاد می‌گردد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «إنما المؤمنون اخوة» (حجرات: ۱۰). یعنی همانا مؤمنان با هم برادر هستند. قرآن با جمله خبری انما المؤمنون اخوة (حجرات: ۱۰)؛ یادآور می‌شود که آنان برادر هستند و روشن است منظور از این برادری، که برادری نژادی نیست، بلکه برادری دینی و ایمانی است که تکلیف می‌آورد. بنابراین آیه مزبور امر می‌کند که مؤمنان با هم برادری و محبت کنند و اگر از هم دور شده خود را بهم نزدیک سازند و اختلاف و نزاع پیشه نکنند و اگر چنین اتفاقی افتاد، کسانی راه صلح و سازش پیشه کنند و از خدا پروا دارند.

به این ترتیب، قرآن کریم محور اصلی اتحاد و وحدت و هم‌گرایی را در جامعه اسلامی و امت قرآنی، برادری ایمانی دانسته و آنان را دستی واحد در برابر دشمن می‌داند. ارتباطی که از ارتباط خونی قوی‌تر و اساسی‌تر است و بر این اساس نمی‌توان به خاطر رابطه و پیوند خونی و برادری نسبی و خونی از برادری ایمانی دست شست ولی بلکه جایز و گاه واجب است (توبه: ۲۴). در نگرش قرآن، مسلمانان (کسانی که شهادتین را بر زبان جاری کرده‌اند) برادر دینی هستند و می‌بایست این برادری را به شیوه‌های مختلف عملی و رفتاری تقویت کنند (احزاب آیه ۱۸ و بقره آیه ۱۷۸ و آیات دیگر). البته نوعی برادری در میان برخی از مسلمانان سست ایمان با منافقان وجود دارد که قرآن آن را مورد نکوهش و سرزنش قرار می‌دهد و از این دسته از مسلمانان می‌خواهد که از آن دوری کنند؛ زیرا منافقان انسان‌هایی هستند که جز زیان سودی نخواهند داشت و در هنگام سختی مسلمانان را رها می‌کنند (احزاب: ۱۸). آثار برادری در دو بُعد اسلامی و ایمانی (مرتبه عالی‌تر) مورد توجه قرآن بوده و بدان پرداخته شده است. بیان این آثار خود بیانگر ارزش و اهمیت و جایگاه مهم الفت، دوستی و برادری ایمانی در نگرش و بینش اسلام و قرآن است. از جمله آثاری که قرآن

برای برادری بیان می‌کند می‌توان به حسن معاشرت و ایجاد همبستگی و الفت در میان مؤمنان اشاره کرد (بقره: ۲۲۰)، اصلاح میان مؤمنان (حجرات: ۱۰) و برطرف کردن اختلافات و دو دستگی‌ها (ص: ۲۲ و ۲۳) دوری از غیبت و حفظ حریم خصوصی افراد (حجرات: ۱۲) تساوی در حقوق (توبه: ۱۱) عفو و گذشت در حق یک دیگر (بقره: ۱۷۸) و حتی گذشت از قصاص (همان) بیانگر آن است که تا چه اندازه می‌تواند برادری ایمانی و دوستی برای تحکیم وحدت و ایجاد همبستگی اجتماعی مفید و مؤثر باشد. از این روست که قرآن برادری ایمانی در میان مسلمانان را نعمت الهی دانسته (بقره: ۱۷۸ و آل عمران: ۱۰۳) و به‌عنوان عامل پایداری اجتماعی مورد تأکید قرار داده است (بقره: ۱۷۸). طبق آیات پیش گفته، اسلام الفت خدادادی را به‌عنوان عوامل ایجاد این نوع برادری و الفت از مؤمنان خواهان است (آل عمران: ۱۰۳) و در نگرش قرآن این‌گونه وحدت و همبستگی را نمی‌توان با صرف همه سرمایه‌های زمین به‌دست آورد و تنها به ایمان و اسلام و عنایت الهی است که چنین پیوندی در میان مؤمنان ایجاد شده و می‌شود (انفال: ۶۳)؛ قرآن با تأکید بر حقوق برادری چون کمک رسانی به یک دیگر (بقره: ۲۲۰)، کوشش برای رفع مشاجره‌ها و نزاع‌ها و حل و فصل‌ها دعای (حجرات: ۹ و ۱۰) و پرهیز از کارها و رفتارهایی که موجب می‌شود تا همبستگی و وحدت اجتماعی خدشه‌دار شود، از مؤمنان می‌خواهد به برادری به‌عنوان عامل اساسی وحدت، توجه کنند و از تفرقه و عوامل آن پرهیز کنند (حجرات: ۱۱ و ۱۲).

در قرآن کریم از واژگانی همچون و اعتصموا، اصلحوا، رابطوا، تعاونوا، در جهت تشویق به وحدت استفاده شده است، یا حتی دستورهای اخلاقی اجتماعی مانند حرمت تهمت، بدبینی و... هدف جلوگیری از بروز تشتت و تفرقه بین مسلمانان را دنبال می‌کنند... به‌عنوان نمونه در جایی که می‌گوید: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أُوْحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (حجرات: ۱۱)، دشنام دادن و ریشخند گرفتن و سرزنش کردن از عوامل جدایی میان مسلمانان می‌گردد و یا دیگران را با نامه‌های زشت و القاب ناپسند یادکردن: وَ لَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ (حجرات: ۱۰) را ممنوع ساخته است. به همین دلیل رفع اختلاف و حفظ وحدت در جامعه اسلامی اهمیت بسیار پیدا می‌کند و هر حرکت اختلاف برانگیز، کینه‌آور و تحریک‌کننده احساسات ممنوع می‌گردد: وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ (انفال/۴۶) و هرگز راه اختلاف و تنازع نپوید که قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد. و نیز می‌فرماید: وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا (آل عمران: ۱۰۳)؛ و همگی به ریسمان محکم الهی تمسک جسته و پراکنده نشوید و بیاد آورید این موهبت ارزنده الهی را آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس خداوند میان دل‌هایتان محبت و دوستی ایجاد نمود و در سایه عنایت او برادران یکدیگر شدید.

همچنین آیات دیگری که به تجربه امت‌های پیشین اشاره می‌کند و می‌گوید از اختلاف و تفرقه آنان عبرت بگیرید و دیگر شما مانند آنان اختلاف نکنید: وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اختلفوا (آل عمران/۱۰۵).

و یا می‌گوید: دسته‌بندی دینی درست می‌کنند و هر کسی به هر دسته و گروه و حزب خود خوشحال می‌گردد. *مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ* (روم: ۳۲). روی هم رفته متجاوز از ۵۰ مورد در قرآن در خصوص تفرقه، اتحاد و شیوه‌های تحصیل همدلی و جلوگیری از تشتت و جدایی بین مسلمین آمده است که همگی از اهمیت سرشار این موضوع از نظر قرآن حکایت دارد.

البته در کنار تأکید فراوان قرآن کریم بر همدلی، در آیات بسیاری نیز مسلمانان را به اختلاف افکار دسته‌ها، گروه‌ها، ملت‌ها و طبایع بشری توجه می‌دهد و این گونه چندگانگی و تنوع را به‌عنوان یک سنت الهی می‌شناسد. *يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا* (حجرات: ۱۳). ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن‌گاه شعبه‌های بسیار و فرق گوناگون گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. و یا در جایی دیگر می‌فرماید: *وَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ أَطْوَارًا* (نوح: ۱۴) شما را به‌گونه‌های مختلف آفرید. این تنوع گونه‌ها، هم به لحاظ ذهنی و فکری و استعداد و فهم، و هم به لحاظ شرایط اجتماعی و فرهنگی و موقعیت زندگی و گرایش‌های عقیدتی می‌تواند باشد، و نیز این از مشیت الهی است که انسان‌ها از جهت هوش، ذکاوت، شجاعت، آرمان‌خواهی و روحیات علمی و اقتصادی متفاوت باشند: *وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ* (انعام: ۱۶۵). برخی را بر برخی دیگر بالاتر از دیگری گردانیدیم تا شما را در این تفاوت مراتب و درجات بیازماییم و در جایی دیگر می‌فرماید: *لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً* (مائده: ۴۸) اگر خداوند می‌خواست همه شما را یک امت قرار می‌داد.

از اشارات قرآن استفاده می‌شود که همواره اختلاف مذهبی وجود دارد: *وَلَوْ شَاءَ رَبِّي لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ* (هود: ۱۱۳). اگر پروردگار تو خواسته بود همه مردم را یک امت قرار می‌داد، ولی همواره در اختلاف خواهند بود. پس باید کاری کرد که این اختلاف به تشتت، نزاع، درگیری، کینه و کشتار نیجامد و اختلاف سلیقه‌ها، برداشت‌ها، موجب آثار عملی تنش‌زا نشود و مهم‌تر خود را از امت واحد جدا ندانند، چون خداوند با همه این احوال فرموده است: *إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً* (انبیاء: ۹۲) این دین شما و این امت شما یگانه است. با این توضیح آشکار می‌شود که چگونه باید به سراغ وحدت بخشی رفت و عوامل توجه به وحدت را شناخت. زیرا شناخت عوامل، به شناخت راهکارها می‌انجامد و هر مذهب و گروهی می‌داند که با واقعیتی به نام اختلاف مذاهب روبه‌رو است و اگر بخواهد به تعالیم قرآن عمل کند، به دنبال یکی کردن نمی‌رود و به ریسمان الهی چنگ می‌زند، چون چاره‌ای ندارد که این اختلاف را از راه دیگری چاره کند، چاره‌ای که عملی و مثمر ثمر باشد و با تحفظ مذهب خود، زمینه تشتت و نزاع را بر طرف کند.

وقتی شرایط روحی و اخلاقی، باعث اختلاف فهم‌ها می‌گردد، وقتی که عوامل بیرونی و محیطی و حتی رفتارهای حاکمان تأثیرگذار در اعتقاد فردی می‌شود، نسبت دادن همه تفاوت‌های ارزشی به رویگردانی از راه راست کار صحیحی نیست. خداوند در کتاب خود به هر دو عامل توجه دارد، هم جایی که اختلاف، نتیجه شرایط طبیعی و نکات پیشین است، و هم جایی که در اثر سرکشی، طغیان، عناد و سرپیچی از حق، اما واقعیت

آن است که عمده این اختلاف‌ها در جوامع ناشی از جحد و انکار حقیقت و از روی سرکشی نیست و ثمره طبیعی و منطقی محیط و تربیت از قبیل اختلاف دسته نخست است که به تعبیر قرآن: «وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ» (هود: ۱۱۸). همواره در اختلاف هستند و این اختلاف در علم سابق و ازلی خداوند تعلق گرفته و برطرف کردن آن به قهر و غلبه ساخته نیست و وقتی خداوند می‌گوید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس: ۹۹) اگر پروردگارت می‌خواست، (به اجبار) همه‌ی مردم روی زمین یکجا ایمان می‌آوردند؛ آیا تو می‌خواهی تا به جبر و اکراه همه را مؤمن و خداپرست گردانی؟ (یونس: ۹۹)، اراده خدا بر داشتن عقیده واحدی قرار نگرفته و انتخاب و اراده افراد در انتخاب مسیر و ویژگی‌های آن دخالت دارد.

اختلاف عقیده در تاریخ صدر اسلام و در جریان انعقاد پیمان مؤاخاه بین مهاجرین و انصار، نیز نمود پیدا کرده است. هر چند با ابتکار پیامبر اکرم (ص) اختلاف‌ها مهار گردید، ولی از میان نرفت. در ماجرای بازگشت از غزوة بنی المصطلق در سال ششم هجرت، مهاجران و انصار بر سر تقدم و تأخیر در کشیدن آب از یک چاه به جان هم افتادند و این‌ها فریاد «یا معشر المهاجرة» و آن‌ها «یا معشر الأنصار» سر دادند و در مقابل هم ایستادند و پیامبر بلافاصله مراجعه کردند و سعی کردند مسئله را حل کنند. پس اختلاف‌ها از بین نرفت؛ بلکه پیامبر این اختلاف‌ها را مدیریت کردند.

بنابراین دلیلی ندارد که صاحبان مذاهب بخواهند آثار عملی و خشونت باری ایجاد کنند و رفتار دوستانه با پیروان مذاهب مخالف را به جنگ و نزاع تبدیل کنند؛ چرا که روایات فراوانی از اهل بیت رسیده که این مدارا و مسالمت را تشویق و ترویج می‌کنند. از جمله در روایتی از امام صادق آمده است: اگر مردم بدانند که چگونه خداوند تبارک و تعالی این خلق را آفرید، هیچ کس دیگری را ملامت نمی‌کند (حرعاملی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۱۶، باب ۱۴: ۱۶۱، حدیث ۲۱۲۴۳). و در حدیثی دیگر از ایشان درباره مدارا و مسالمت با مخالفان، می‌فرماید: خداوند اسلام را هفت سهم قرار داده، سپس آن را بین مردم تقسیم کرد و به بعضی یک سهم داد و به برخی دیگر دو سهم و... پس بر آن که یک سهم دارد، دو سهم از اسلام را تحمیل نکنید، زیرا بر ایشان سنگین آمده، متنفرشان می‌کند، بلکه با ایشان مدارا کنید و برای ایشان ورود به اسلام و مراتب آن را آسان بگیرید، آنگاه حضرت به شرایط تاریخی عصر خود اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: اما (علمت) ان اماره بنی‌امیه کانت بالسیف والعسف والجور، و ان امامتنا بالرفق والتالف والوقار والتقيه وحسن الخلطة والورع و الاجتهاد، فرغبوا الناس فی دینکم و فی ما انتم علیه (همان: ۱۶۵، حدیث ۲۱۲۴۸). بنی‌امیه با شمشیر و خشونت و ستم بود و رهبری و امامت ما با مدارا و الفت و آرامش و نگهداری و رفتار خوب و خویشنداری و اجتهاد در راه علم و معرفت است.

تشویق ائمه اطهار (ع) به حضور در نماز جماعت نمونه بسیار خوبی از مدارا در سیره عملی ایشان برای حفظ وحدت محسوب می‌شود. در مجموعه روایی «جامع احادیث الشیعه» بابی به نام «فصل الجماعه و تأکد استحبابها فی الفریض» آمده و در آن روایات فراوانی از امامان شیعه درباره اهمیت و جایگاه نماز

جماعت و حتی ترجیح آن بر فضیلت اول وقت آمده است (بروجردی، ۲۰۰۱، ج ۷: ۲۸۵). اهمیت این موضوع زمانی روشن‌تر می‌شود که بعضاً امامان جماعت، از مخالفان فکری و معاندان اهل بیت بوده‌اند. حتی در روایتی نقل شده که امام علی(ع)، پشت سر خلفا نماز خوانده است (همان). زمانی نیز که معاویه امام علی(ع) را متهم به تفرقه افکنی کرد، حضرت در پاسخ به وی فرمودند: «وَأَلَيْسَ رَجُلٌ أَحْرَصُ وَ أَعْلَمُ عَلَى جَمَاعَةِ أُمِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَلْفَتْهَا مِنِّي؛ کسی را پیدا نمی‌کنی که از من حریص‌تر به اتحاد جامعه اسلامی باشد. حضرت علی علیه السلام این گونه با گفتار و رفتار خویش، همگرایی امت را پاس می‌نهد» (نهج البلاغه، نامه ۷۸).

همچنین معاویه بن وهب در حدیثی نقل می‌کند: من از امام صادق(ع) پرسیدم: ما (شیعیان) با دیگران (اهل تسنن) چگونه معاشرت کنیم؟ تکلیف ما چیست؟ امام علیه السلام فرمود: تَوَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ وَ تُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ تَعُوذُونَ مَرْضَاهُمْ وَ تَشْهَدُونَ جَنَائِزِهِمْ؛ امانت آنها را بدهید. برای آنها (اگر شهادت لازم باشد) شهادت بدهید. بیمارانشان را عیادت کنید. (اگر کسی از آنها بمیرد) در تشییع جنازه‌شان شرکت کنید (حرعاملی، ۱۹۹۷، ج ۳: ۳۵۳).

ویژگی‌های همگرایی مورد نظر امام خمینی(ره)

نقطه نظرات گوناگونی در زمینه وحدت و همبستگی، عرضه شده است. در تقسیم‌بندی عناصر و مؤلفه‌های وحدت و همبستگی به دو دسته‌ی مادی و معنوی، در نگاه حضرت امام تربیت شده مکتب قرآن و اهل بیت(ع)، پر واضح است که دسته‌ی دوم تکوین و تداوم اتحاد اسلامی نقش مهم‌تر و استوارتری ایفا می‌کند. از این گذشته، دسته دوم مورد پذیرش آئین اسلام واقع شده، حال آن که دسته نخست همزمان با برقراری احتمالی اتحاد، گاه سبب گسست اجتماعی می‌شوند (عطائی و علی‌محمدی، ۲۰۱۸: ۷۲).

از آن‌جا که مراد از وحدت- تعبیری که بیشتر از روی مسامحه به کار می‌رود- وحدت همه‌جانبه نیست، در واکاوی فرمایشات امام خمینی(ره) در خصوص موضوع همگرایی ملل مسلمان، از واژه‌ی «همگرایی» استفاده نشده است و ایشان مفاهیمی نظیر درک متقابل، چنگ زدن به ریسمان الهی، کشورهای مسلمان و به‌ویژه برادری و اخوت اسلامی را استفاده نموده‌اند (ر. ک: فولادی، ۲۰۰۸)؛ که از آن‌ها مفهوم همگرایی استنباط می‌شود^۱. رهبر فقید انقلاب اسلامی از کلمه قرآنی برادری استفاده زیادی نموده‌اند، تا جایی که چنین استنباط می‌شود که بنیاد فکری ایشان بر اخوت اسلامی استوار گشته است (لک‌زایی، ۲۰۱۵: ۱۵۸-۱۵۹).

۱. همگرایی یعنی این‌که من بدانم با عضو دیگری در کنار هم، جزیی از یک مجموعه کلان هستیم. درست مانند اجزای بدن که هر کدام ماهیت، سرشت، کارکرد و نقشی دارد، ولی همه این‌ها در کنار هم پیکر انسان را کامل می‌کنند. مراد از همگرایی، با هم بودن مثل اعضای یک خانواده است. اعضای یک خانواده تقریباً محال است در همه جنبه‌ها مانند یکدیگر باشند. بالاخره یکی مؤنث است، یکی مذکر. یکی سنش کمتر است، یکی بیشتر. خواسته‌های هر یک، تمایلات و گرایش‌های سیاسی‌شان با همدیگر متفاوت است. اعضای یک خانواده در همه ابعاد اختلافاتی دارند، ولی می‌دانند که در چتری به نام خانواده زندگی می‌کنند.

زیرا «اخوت، از احکام سیاسی‌هی الهیه است برای اجرای مقاصد اسلامی» (شاه‌آبادی، ۲۰۰۷: ۷۲) که همگرایی، یکی از آن مقاصد است.

امام(ره) وحدت [و به تعبیری همگرایی] را از سنخ رحمت و محصول مقدماتی می‌دانستند که بدون آن‌ها به دست نخواهد آمد (خمینی، ۱۹۹۴: ۸)؛ امام(ره) در اثری به نام «شرح چهل حدیث»، که به نیت بهره‌برداری عمومی نگاشته شده است، در خصوص مفهوم و وحدت چنین می‌فرماید: یکی از غایات ادیان الهی و انبیای عظام(ع) که علاوه بر آن که خود، مقصود مستقل است، وسیله‌ی پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه‌ی فاضله می‌باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است و اجتماع در مهم‌ امور و جلوگیری از تعدیات ظالمانه‌ی ارباب تعدی است که مستلزم فساد بنی‌الانسان و خراب مدینه‌ی فاضله است و این مقصد بزرگ، که مصلح اجتماعی و فردی است، انجام نگیرد، مگر در سایه‌ی وحدت نفوس و اتحاد همم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری و افراد جامعه به‌طوری شوند که نوع بنی آدم تشکیل یک شخص دهند و جمعیت، به منزله‌ی یک شخص باشد و تمام کوشش‌ها و سعی‌ها، حول یک مقصد بزرگ الهی و یک مهم عظیم عقلی، که صلاح جمعیت و فرد است، چرخ زند و اگر چنین مودت و اخوتی در بین یک نوع یا یک طایفه پیدا شد، غلبه کنند بر تمام طوایف و مللی که بر این طریق نباشند... مسلمین مأمورند به دوستی و مواصت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت و معلوم است آنچه موجب ازدیاد این معانی شود، محبوب و مرغوب است و آنچه این عقد مواصت و اخوت را بگسلد و تفرقه در بین جمعیت اندازه، مبعوض صاحب شرع و مخالف مقاصد بزرگ اوست (امام خمینی، ۲۰۱۰: ۳۱۰).

بر این اساس و ملهم از بینش وحدت محور ایشان، سیاست به معنای سازنده آن را به مناسبات حاکمیت و مردم و نیز ارتباطات دولت با دیگر دول به منظور ممانعت از بروز مفسده‌ها، تعبیر می‌نمایند (امام خمینی، ۲۰۰۸، ج ۳: ۲۲۸). امام هنگام بحث مفصل‌تر درباره‌ی ماهیت سیاست، اصحاب سیاست و انواع مختلف سیاست و در نهایت نوع پسندیده و مقبول آن از نگاه اسلام که بر همگرایی بنیاد و استوار است، را معرفی می‌نمایند (همان، ج ۱۳: ۴۳۲-۴۳۳)؛ و در آن جا، سیاست را به دو قسم و نوع دوم را به دو بخش تقسیم می‌کنند:

۱. سیاست الهی: انبیا(ع)، اولیاء و به تبع آنها، علمای بیدار اسلام اهل این نوع سیاست هستند، و پی گرفتن این نوع از سیاست از عهده دیگران، خارج است. اهتمام به پیاده ساختن قانون مبتنی بر عدالت و انصاف و مقابله با ظلم و سلطه مستبدانه و گسترش عدالت فردی و اجتماعی و منع از انحراف و تباهی و اقسام گوناگون کجروی‌ها و [تأمین] آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی... بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی یک جامعه و سیاست و راه بردن جامعه آن به موازین عقل و عدل و انصاف... (همان، ج ۲۱: ۴۰۵)، از جمله ویژگی‌های بارز این نوع سیاست است که قادر به تأمین سعادت همه‌ی ابعاد انسان و جامعه در دنیا و آخرت، می‌باشد.

۲. سیاست غیرالهی: سیاست این جهانی است که به رغم صحت غایات و مبانی و عاری بودن از مکر و فریب و در نظر داشتن خیر و صلاح افراد اما با توجه به محدود شدن به ابعاد زمینی و این جهانی بشر،

رویکردی حیوانی و جسمانی به شمار می‌رود... در این رهیافت، ابعاد مختلف نیازهای زیست‌خاکی بشر به خوبی مدنظر قرار گرفته تا رفاه همگانی فراهم آید اما ابعاد فرانسانی که موجب تعالی روح و فوز اخروی وی می‌گردد، مطمئن نظر قرار نگرفته است. بنابراین در پی تأمین سعادت محض این جهانی در قالب رفاه، راحتی، امنیت محض و امثال آن است.

پس از آشنایی با انواع سیاست، اقسام مختلف همگرایی را می‌توان این گونه برشمرد: یکم. همگرایی الهی متعالی: این نوع همگرایی از پیمایش مسیر درست الهی نشأت می‌گیرد و در بستر باورهای توحیدی رویش می‌یابد و از آبشخور وحی الهی سیراب گشته و بر «حبل‌الله» مبتنی می‌باشد. «خدای تبارک و تعالی امر فرموده است: وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ، ولی اجتماع با تشبث به حبل‌الله. هر اجتماعی مطلوب نیست؛ وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ مطلوب است. همان است که اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ. اسم رب، ریسمانی است که همه به آن باید اعتصام کنند. مردم را دعوت کنید به وحدت. دعوت کنید به این که گروه گروه نشوند» (امام خمینی، ۲۰۰۸، ج ۸: ۳۳۴).

دوم. همگرایی متعارف انسانی: مقصود از این همگرایی، اصلاح شرایط متداول زیست به منظور بهره‌وری بیشتر از امکانات موجود جامعه بشری است و در واقع، فقط عنصر همکاری انسانی در آن وجود دارد، ولی از پیوند و اتصال به منشأ فرازمینی، حظی نبرده است. هر چند مزیت این نوع همگرایی بر جدایی و پراکندگی مشخص و روشن است، ولی از موارد چنگ زدن به ریسمان الهی محسوب نمی‌شود. سوم. همگرایی متدانی شیطانی: در این نوع همگرایی برخلاف موارد قبل، نه تنها هدف پیوست و همکاری بشری در جهت نیل به آرمان‌های متعالی دنبال نمی‌شود، بلکه سعی در گسست از اعتصام الهی است که نماد بارز آن را می‌توان عملکرد استکبار جهانی به‌ویژه شیطان بزرگ، دانست. زیرساخت همگرایی از نوع متعالی را برادری تشکیل می‌دهد و با توجه به این که پیوندی ارگانیکی و طبیعی و با انگیزه‌های الهی پدید می‌آید، می‌تواند زمینه شکل‌گیری اتحادی پیکروار در جهان اسلام گردد، ولی چنانچه در اثر همگرایی تنها منافع افراد یا کشورها به هم وصل گردد، ارتباط حاصل از نوع متعارف یا متدانی است و از مصادیق کریمه‌ی «تَحَسَّبَهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى» (حشر: ۱۴) تلقی می‌گردد. از این‌رو، همگرایی قابل ارزش است که بر محور الله افراد را گرد هم آورده باشد و چنانچه آحاد یک ملت بر این مبنا همگرا شوند و در این راه با یکدیگر پیمان برادری ببندند، بی‌تردید مشمول یاری پروردگار شده و پیروز خواهند بود.

امام خمینی(ره) به منظور تبیین ضرورت اهتمام ملل مسلمان در ایجاد همگرایی از نوع الهی، در توضیح آیه ۴۶ سوره انفال «وَ اطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَاتَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ» می‌گویند: تنازع به هر شیوه‌ای که باشد، ممنوع است. نزاع و درگیری، سستی می‌آورد و رنگ و بوی انسان و ملت را از بین می‌برد. از دیدگاه ایشان، کسانی که کوشش می‌کنند تفرقه بیندازند و تنازع ایجاد کنند و در عین حال، ادعای اسلام هم می‌کنند، شناخت واقعی از اسلام ندارند و اسلامی را، که قرآن، کتابش و کعبه، قبله‌اش است، نیافته و

به آن ایمان نیاورده‌اند؛ بنابراین، باید همه به دستور اسلام و قرآن کریم، با هم متحد باشند و تنازع نکنند. (امام خمینی، ۲۰۰۸، ج ۱۳: ۱۵۳).

امام خمینی(ره) در همین رابطه تصریح می‌دارند که آیه ۱۰ سوره حجرات «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»، بیانگر حکمی اخلاقی است که البته متضمن حکمی اجتماعی هم می‌باشد و فراتر از این، برخی ابعاد سیاسی نیز دارد (امام خمینی، ۲۰۰۸، ج ۱۳: ۱۳۲). حضرت امام (ره)، عمل به مفاد آیه مذکور را راه برون رفت از مشکلات جهان اسلام می‌دانند و بیان می‌کنند: ما باید بیدار باشیم و بدانیم که این حکم الهی، یک حکم سیاسی است که اگر ملت‌های مسلم، که تقریباً یک میلیارد جمعیت هستند، با هم برادر باشند و برادرانه و با نظر محبت و دوستانه با هم رفتار کنند، هیچ یک از ابرقدرت‌ها نمی‌تواند به آنها تجاوز کند (امام خمینی، ۲۰۰۸، ج ۱۳: ۱۳۴-۱۳۱).

در نقطه مقابل رهیافت‌های رئالیستیک در حوزه سیاست خارجی که بر این باورند هر چه حوزه مفهومی، محتوایی، ساختاری و جامعه هدف ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌ها با یکدیگر نزدیکی و همپوشانی داشته باشد، امکان تضاد و تعارض آنان نیز بیشتر است، از دید امام خمینی(ره) پیروان اسلام به دلیل مشترکات فراوان اعتقادی قابلیت بسیاری در جهت برپایی حکومت جهانی مستضعفین برخوردارند (رضائی‌پناه و حاجی یوسفی، ۲۰۱۰: ۴۹). ایشان از انقلاب کبیر اسلامی ایران به‌عنوان شاهد مثال در این زمینه یاد می‌کنند و اظهار می‌دارند: همان‌طور که ملاحظه کردید، وقتی ملت ایران با هم متحد شدند و برادروار با هم و در کنار هم بودند و به برادری اسلامی خود توجه داشتند، قدرت‌های بزرگ نتوانستند در مقابل آنها مقاومت کنند (همان، ۱۳۲؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک: حقی، ۲۰۱۷، ج ۲: ۴۴). بر همین مبنا پس از پیروزی انقلاب، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پیگیری و تحکیم پیوندها و باورهای دینی به منظور تحقق ایده امت واحده اسلامی تمرکز پیدا کرد. بر اساس چنین رهیافتی، امام خمینی(ره) یکی از رسالت‌های اصلی جمهوری اسلامی ایران را احیای هویت دوستی بین مسلمین به منظور عینیت بخشیدن به ایده امت واحد اسلامی می‌دانستند: «همه مسلمین ید واحده باشند بر من سواهم هر کس... با هر حکومتی که هست... و مستقل باشد، لکن این که مسلمان است با مسلمین دیگر اخوت داشته باشند، دوستی داشته باشند، پیوند داشته باشند، ارتش‌های همه کشورهای اسلامی پشتیبان هم باشند» (امام خمینی، ۲۰۰۸، ج ۱۵: ۴۷۴)؛ و این‌که: «اسلام یک ملت واحده است و ممالک اسلامی، مثل محله‌های یک شهر به هم نزدیک‌اند» (امام خمینی، ۲۰۰۸، ج ۱۰: ۴۸۵).

در تبیین ویژگی‌های رویکرد امام به مقوله وحدت اسلامی، نباید پنداشت که توصیه به همگرایی و همدلی مورد نظر ایشان، تنها صبغه اخلاقی داشته و در حد موعظه و خواهش متوقف مانده است. «رساله تقیه» یکی از آثار قلمی حدود هفتاد سال پیش (۱۳۳۳ش) امام خمینی(ره) در موضوع قواعد فقهیه، نوشته تحقیقی‌ای است که مبانی اندیشه «وحدت اسلامی و اتحاد مسلمین» را می‌توان در آن جستجو کرد. حضرت

امام خود در دیگر آثار فتوایی خود از این قاعده و مبنا استفاده کرده و به مقتضای آن فتاوی وحدت آفرین و اتحادساز صادر کردند که ضرورت شرعی اقدام به تقیہی مداراتی^۱ از آن استنتاج می‌گردد.

امام در راستای ایجاد وحدت بین شیعه و سنی با طرح این موضوع که اگر کسی این سخن امام باقر (علیه السلام) را شنیده باشد که فرمودند: «در جمع اهل سنت، نماز بخوانید» که در پایان آن فرموده: «به خداوند سوگند که خداوند به چیزی محبوب‌تر از تقیہ عبادت نشده است» عنوان می‌دارند شکی نیست که مراوده و رفت و آمد با اهل سنت و جلب قلوب آنها مطلوب است و نماز در جمع آنها محبوب و از بهترین عبادات است، و این معنا با اِعمال حیلہ و چاره‌جویی [برای برون رفت از مخصه تقیہ] و کناره گرفتن از آنها در عبادات؛ منافات دارد (تقوی، ۱۴۰۱).

از همین‌رو و نظر به تأثیر شگرف رعایت مصالح امت اسلامی در تحکیم پایه‌های دوستی و مودت بین مسلمانان، حضرت امام(ره)، قائل به جواز حضور در نماز اهل سنت و بلکه لزوم آن بودند. به‌طور مثال، در پاسخ به سؤالی در خصوص اقامه فرادی در عین حضور در نماز جماعت اهل تسنن، می‌فرمایند: «وظیفه جماعت است و احکام جماعت را دارد» یا در مورد سؤال از شرکت در نماز جماعت اهل تسنن با عنایت به این که دست بسته نماز می‌خوانند و آمین می‌گویند، آیا در حال اختیار شیعیان می‌توانند در نماز جماعت اهل تسنن شرکت کنند؟» می‌فرماید: «در مورد تقیہ شرکت جایز و نماز صحیح است و مختص به مورد ضرورت نیست» (بی‌آزار شیرازی، ۱۴۰۴ هـ.ق: ۲۳).

اهمیت حفظ اتحاد مسلمین به حدی است که حتی دفاع از ولایت و یکی از مهم‌ترین شؤون آن که اداره‌ی جامعه است، تا جایی مجاز است که وحدت امت را از بین نبرد و اگر قرار باشد دفاع از ولایت به امت و انسجام و یکپارچگی امت لطمه بزند، باید از آن دست کشید. به عبارت دیگر حفظ امت به قول شیخ انصاری که دو اصطلاح و قاعده‌ی مهم اصولی یعنی حکومت و ورود^۲ را ابداع کرد، حاکم است، دفاع از ولایت و دامن‌های آن را حسب شرایط توسعه می‌بخشد یا ضیق می‌کند. بنابراین اگر مصلحت حفظ امت، ایجاب کند که شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علی(ع) از تصدی‌گری نهاد مهمی به نام نهاد حکومت چشم‌پوشد، باید چنین کند و حضرت همچنین کردند.

امام خمینی(ره) نیز با استناد به سیره عملی امیرالمؤمنین(ع)، در راستای ضرورت حفظ دوستی و اخوت به‌مثابه مصلحت عمومی جامعه اسلامی و به دلیل آن که جایگزینی منافع شخصی به جای مصالح عمومی و مصالح شریعت موجب تفرقه و دشمنی می‌گردد، بر اجتناب از مسائل اختلاف برانگیز زائل‌کننده دوستی

۱. تقیہ‌ای است که مطلوب در آن، یکپارچگی و وحدت کلمه با جلب محبت مخالفین است بدون آن که متقی خوف بر ضرر یا خطر بر نفس یا مال و یا آبرو داشته باشد (امام خمینی، ۱۴۲۰ هـ.ق: ۸).

۲. حکومت و ورود، نظریه‌ای در اصول فقه شیعه، متضمن دو روش جمع کردن میان ادله و برطرف کردن تعارض اولیه آنها. دو اصطلاح حکومت و ورود، ناظر به تقدم دلیلی شرعی بر دلیل شرعی دیگر یا بر یک اصل عملی است. اصولیان در این دو روش، مانند دیگر روش‌های جمع عرفی میان ادله، می‌کوشند وحدت موضوع میان ادله متعارض و در نتیجه، تعارض اولیه را برطرف سازند (انصاری و نورانی، ۲۰۲۰: ۷۵۰).

و وفاق بین مسلمین تأکید داشتند: امروز، روزی است که باید تمام قدرت‌ها هماهنگ باشند و همه حفظ نظم بکنند، که اگر نظام به هم بخورد، وضعیت به هم می‌خورد و همه خودشان را فدایی اسلام بدانند... شما مهیا باشید، نروید سراغ اختلافاتی که خودشان دارند با هم، شما بین راه هستید. اختلاف‌ها را کنار بگذارید... (امام خمینی، ۲۰۰۸، ج ۱۳: ۲۰).

چنین رویکرد ارزنده‌ای که باور به پاسداشت و رعایت منافع همگانی جامعه‌ی و امت اسلامی در کانون توجه آن قرار داشت، بر مشترکات دینی به منظور تحقق وحدت اسلامی در بُعد سیاسی آن تأکید داشت. به همین جهت و به دلیل مشروط شدن تحقق همدلی و وفاق به رعایت مصالح عمومی کلیه مسلمانان، گستره وحدت اسلامی در نظر مرحوم امام، از بُعد ملی و حتی منطقه‌ای فراتر رفته و در حد وحدت سیاسی امت اسلامی یا امت واحده اسلامی پی گرفته می‌شد.

نتیجه‌گیری

از جمله اساسی‌ترین محورهای اندیشه سیاسی حضرت امام (رضوان الله علیه) مبتنی بر تأکیدات وحدت طلبانه اسلام و ملهم از آموزه‌های قرآن کریم که بارها با اشاره به خلقت انسان‌ها از نفس واحده^۱ - یعنی یک فرد- بازگشت مجدد آنان به اصل و فطرت خویش را با پرهیز از جنگ و نزاع بر سر منافع شخصی خواستار می‌شود، اقتدار اسلام و عزت و سرافرازی ملل مسلمان عالم با اجتناب از اختلافات زائل‌کننده‌ی روح مودت و دوستی بود که البته بنا به دلائل متعددی - از درون و برون دنیای اسلام - مانع از فعلیت یافتن این قدرت بالقوه می‌شد که با تولید قدرت نرم، بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دنیای اسلام در رویارویی با تهدیدات و مخاطرات استکبار جهانی دو چندان می‌افزود.

عدم تحقق و دور از دسترس ماندن ایده وحدت جهان اسلام تا حد زیادی از فاصله گرفتن مسلمانان از عاملی فطری و تکوینی که می‌تواند استقرار حیاتی سالم و امن ایمانی و در یک کلام حیات طیبه را موجب شود، نشأت می‌گرفت. آن عامل ذاتی، جز انتخاب اولیای حق و رد اولیای کفر با اجتناب از فردگرایی سلیقه‌ای و نفسانی و اقبال به مسئولیت‌پذیری و بیرون آمدن از حصار خودبینی و متعهد شدن در برابر دیگران در چارچوب امتی واحد، چیز دیگری نبوده و نیست. نهاد امت واحده را می‌توان به‌مثابه نظامی دانست که علاوه بر برخورداری از کلیت، تحقق و تداوم آن در گرو نهادینه شدن مفاهیم کلیدی همچون «قربان»، «تقارن» و «همدلی» در یکایک اعضای آن است. در برابر، اصرار بر باورهای خاص متعصبانه هر یک از فرقه‌ی مسلمان که با همراهی ترفندهای استکباری نیز تقویت می‌شود، نه تنها رشد و تکامل اعضاء برای تشکیل امت واحده را مانع می‌شود بلکه با تداوم خودمداری‌ها، تکوین همدلی ناشی از احساس مسئولیت در قبال حل مشکلات

۱. آیه نخست سوره نساء از جمله این آیات است: یا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ؛ ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید.

مشترک نیز را با شکست مواجه می‌سازد که در نتیجه پیامدهای شوم و عواقب سهمگینی از جمله ادامه ذلت و وابستگی مسلمانان را در پی خواهد داشت.

امام خمینی(ره) بر اساس این واقعیت‌های تلخ و علم به عدم تأثیر قراردادهای اجتماعی و اعتباری صرف در پی‌ریزی شاکله امت واحده، رهندن جامعه اسلامی از واگرایی را بدون ترسیم برنامه‌ای اصولی و فراگیر بر مبنای معیارهای دینی ممکن و میسر نیافت. مرحوم امام(ره)، همان‌گونه که در تئوری سازه‌انگاری بر اهمیت نظرات و دیدگاه‌های بازیگران عرصه سیاست از طریق تعاملات مشترک تأکید می‌گردد، با اطمینان از تأثیر ژرف اقدامات حساب شده قدرت‌های استکباری و رژیم‌های استبدادی در رواج دیدگاه‌های واگرایانه میان مسلمانان، جهت خنثی کردن این دسیسه استعماری در بین فرق مختلف جوامع اسلامی که باعث شده بود هر یک با نفی دیگری سعی در اثبات خود داشته باشند، بر اهتمام جوامع اسلامی به معنابخشی به خود از طریق شناخت خویش جهت اصلاح و تغییر دیدگاه‌های اختلافی تأکید نمود. تأمل در خود در انزوا صورت نمی‌گرفت، بلکه باید با دیگران ارتباطی دوستانه برقرار می‌شد تا ضمن آشکار شدن نقاط ضعف و قوت هر یک از ملل مسلمان، بتواند چنان استراتژی سیاسی برای پیشبرد وفاق و همدلی به‌صورت آگاهانه در فرآیند ایجاد وحدت مورد استفاده واقع شود.

این استراتژی باید با اتخاذ رویه‌ای کارآمد برای فراهم ساختن زمینه‌های همگرایی جوامع اسلامی و ایجاد نوعی وحدت درون دینی بین ملل مسلمان به منظور تمهید زمینه‌های حیات طیبه اسلامی، تقویت دوستی و برادری در عین اجتناب از ورود به مسائل اختلافی جهت تعدیل دیدگاه‌های واگرایانه افراطی سد راه شکل‌گیری امت واحده، طراحی می‌گردید؛ چه آن‌که بسان روند شکل‌گیری وحدت ملی که تعمیق وفاق بین آحاد جامعه در گرو مشابه شدن آنان نیست، در دنیای اسلام نیز تقویت اخوت و دوستی ملل مسلمان بر پایه مشترکات فرق مختلف، هم‌زمان با پذیرش تفاوت، تنوع و حتی تعارض‌ها می‌توانست زمینه تحقق وحدت اسلامی را فراهم نماید. با اتخاذ چنین رویه‌ای از نظر امام خمینی (قدس سره) ارتباط مؤثر مسلمانان در تحقق دوستی و صمیمیت در وهله نخست باید در سه حوزه اعتقادات، خلق و خو و عملکرد در سطح جهان اسلام و در گام دوم، که بیشتر با سطح سوم، یعنی سطح رفتار مرتبط است، می‌توانست با بازنمایی دشمنان مشترک جهان اسلام (به‌ویژه اشغالگران قبله اول مسلمین) ضمن شعله‌ور ساختن آتش خشم امت اسلامی نسبت به قدرت‌های مستکبر و ظالم، مسائل اختلافی را در کنج حاشیه محبوس نماید. گام‌های عملی امام در ایجاد جبهه گسترده مبارزه با سلطه قدرت‌های استکباری نظیر اعلام روز قدس و همبستگی امت اسلامی با فلسطین، تشکیل هفته وحدت در جمهوری اسلامی ایران و دعوت هر ساله اندیشمندان به ایران جهت تقریب مذاهب اسلامی از جمله اقدامات ابتکاری امام در نهادینه ساختن احساس مسئولیت عمومی در فراهم نمودن زمینه‌های شکل‌گیری امت واحده با تأسی به سیره‌ی انبیای الهی علیهم‌السلام، اهل بیت علیهم‌السلام و رهنمودهای قرآن مجید ناظر به عدم پذیرش سرپرستی یهودیان و مسیحیان، اجتناب و پرهیز از درگیری، برادری دینی، تمسک به ریسمان الهی، پرهیز از نگرانی، نبرد با ستم و ستمگری بود تا با انسجام

هر چه بیشتر ملت‌های مسلمان از طریق جلب تفاهم و ایجاد علاقه به غایات عملی همچون اعتلای کلمه توحید، تأثیر شگرف و سازنده دوستی و مودت در کاهش واگرایی تجلی و نمود پیدا کند.

References

- *The Holy Quran*
- *Nahj al-Balagha*
- Ahmadi, Aryaman (2012). "Political matter as antagonism (A review of the book "About political matter)". Etemad newspaper, No. 2622, 10th. March: 10. (In Persian)
- Ansari, Morteza bin Mohammad Amin and Noorani, Abdullah (2020). *Faraed al-Ossul*, Qom: Religious Press. (In Arabic)
- Attai, Abdullah; Ali Mohammadi, Sajjad (2018). "Investigation of effective factors in the convergence of people with the system in the thought of Imam Khomeini (pbuh)". *Matin Research Journal*, 20(80): 69-93. (In Persian)
- Azin, Ahmed; Qaidi, Mohammadreza, Golshani, Alireza (2014). "The unity of the Islamic world from the point of view of Imam Khomeini (RA)". *Political Studies Quarterly*, 6 (23): 187-208. (In Persian)
- Biazar Shirazi, Abdul Karim (1404 AH). *Towheed Kalme*, Tehran: Farhang Islamic Publishing House. (In Persian)
- Boroujerdi, Seyyed Hossein (2001). *The collection of Shia hadiths in the rules of the Shari'ah*. By the effort of Ismail Moezi Malairi, Qom: Al-Mahr. (In Persian)
- Esposito, John and Wall, John (2011). *Contemporary Islamic Movements (Islam and Democracy)*, Translation: Shuja Ahmadvand, Tehran: Nashreni. (In Persian)
- Farabi, Muhammad bin Muhammad (2011). *Farabi and the Way of Happiness (an exploration of the ethics of virtue from Farabi's point of view)*, Translation: Nawab Moghrabi. Tehran: Sadra Islamic Wisdom Foundation. (In Persian)
- Fuladi, Mohammad (2008). "The strategy of the unity of the Islamic world in the thought of Imam Khomeini (RA)". *Marafet Monthly*, 17(126): 75-96. (In Persian)
- Gartzke, Erick and Weisiger, Alex (2013) "Fading Friendships: Alliances, Affinities and the Activation of International Identities", *British Journal of Political Science*, Vol. 43(1): 97-120.
- Ghaninejad, Musa (2010). *Modernism and development in contemporary Iran*, Tehran: Publishing Center. (In Persian)
- Griffiths, Martin (2009). *Encyclopedia of international relations and world politics*, Translation: Alireza Tayeb, Tehran: Nesher Ney. (In Persian)
- Hadot, Pierre (1998). *Nietzsche, Genealogy, History*, translated by Robert Hurley and others, in: *Aesthetics, Method, and Epistemology*, Edited by James D.Faubion, the new press.
- Hakimi, Khodadad (2018). "The results of Imam Khomeini's efforts in the path of Islamic unity". International conference on rereading the scientific and cultural works of Iran's Islamic Revolution. (In Persian)

- Haniff Hassan, Mohammad (2007) *War, Peace or Neutrality: An Overview of Islamic Polity's Basis of Inter-State relations*, Singapore: S. Rajaratnam School of International Studies.
- Haqqi, Mohammad (2017). "Islamic revolution and opportunities for the convergence of the Islamic world." Collection of selected articles of the 20th Sheikh Tusi Festival, Volume 2, Qom: Al-Mustafa International Research Institute. (In Persian)
- Hass, Ernst (1970). *The Study of Regional Integration: reflection on the joy and anguish of pre-theorizing, international organization*. University of Notre Dame Press.
- Heydari, Mohammad Mohsen (2017). "Approximation and convergence in the jurisprudence of Imam Khomeini". *Miqat Hajj Quarterly*, 24(106): 89-110. (In Persian)
- Himan, Adriana (2016). *Conception of the political Friendship: Between Schmitt and Arendt*. Doctoral Thesis, University of East Anglia School of Philosophy.
- Horr Ameli, Muhammad bin Hasan (1414 A.H.). *Al-Wasal al-Shia*, Qom: Al-Al-Bayt. (In Arabic)
- Horr Ameli, Muhammad bin Hassan (1997). *Al-Fusul al-Muhamma in Usul al-Imaa (Takmele al-Wasil)*. Research and supervision: Muhammad bin Muhammad al-Hussein al-Qaini, Qom: Institute of Islamic Education of Imam Reza (a.s.). (In Persian)
- (Imam) Khomeini, Ruhollah (2008). *Sahifa Imam: collection of works of Imam Khomeini (pbuh) (statements, messages, interviews, rulings, Shari'i permits and letters) (22 volumes)*, Tehran: Institute for organizing and publishing the works of Imam Khomeini (pbuh). (In Persian)
- (Imam) Khomeini, Ruhollah (2010). *Commentary on 40 Hadiths*, Ch 51, Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini (RA). (In Persian)
- Jamshidi, Mohammad Hossein; Irannejad, Ibrahim (2012). "The feature of Islamic solidarity and unity in the political thought of Imam Khomeini (RA)". *Islamic Revolution Journal*, 1 (2): 161-186. (In Persian)
- Jamshidiha, Gholamreza and Nikrosh Rostami, Maliha (2019). "Examination of the effects of unity and division of the Islamic Ummah in the thought of Imam Khomeini (RA)". *Two Quarterly Journals of Islamic Revolution Essays*, 1(2): 52-79. (In Persian)
- Javadi Amoli, Abdullah (2011). "Principles of international relations in the Islamic system". In Mahmoud Vaezi, National Conference on Religion and International Relations, Tehran: Expediency Discernment Forum, Strategic Research Center. (In Persian)
- Khomeini, Seyed Ahmad, (1994). "Unity from the point of view of Imam Khomeini (RA)". *Hozur Quarterly*, 1(8): 5-14. (In Persian)
- Kubalkova, Vendulka (2000). "Towards an International Political Theology", *Millennium; Journal of International Studies*, Vol. 29(3): 675-704.
- Lakzaei, Reza (2015). *The fundamental components of the political thought of Imam Khomeini (RA)*, Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center. (In Persian)
- Lindberg, Richard N (2008). "Identity and International Relations", *International Relations*, Vol. 22(4): 5-18
- Majlesi, Mohammad Bagher (1403 A.H.). *Behar Al-Anwar*, Beirut: The Revival of Arab Heritage. (In Arabic)

- Nouri, Nasibeh (2013). *Comparing the anthropology of Ayatollah Misbah Yazdi and Mohammad Mojtahed Shebastri and its influence on their political opinions*, Master's thesis of political science, Yasouj University. (In Persian)
- Pour Ahmadi, Hossein (2007). *The Islamic revolution and the system of the Islamic Republic of Iran in the reflection of the process of globalization*, Tehran: Arouj publishing house. (In Persian)
- Reeves, Julie (2007). *Culture and international relations: narratives, natives and terrorists*, Translation: Mohsen Bayat, Tehran: Research Center for Cultural and Social Studies. (In Persian)
- Rezai, Panah and Haji Yousefi, Amir Mohammad (2020). "The pragmatic foundations of the idea of promiseism in the foreign policy discourse of Imam Khomeini (pbuh)". *Matin Research Journal*, 22(87): 45-73. (In Persian)
- Schmidt, Karl (2010). "Political matter". In the book of law and violence, Tehran: Rokhdad Nou publication. (In Persian)
- Shahabadi, Mohammad Ali (2007). *Shazerat al-Maarif*, explanation and translation: Ayatollah Noorullah Shahabadi, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. (In Persian)
- Stiri, Akram (2007). "National unity and Islamic unity in the theoretical and practical life of Imam Khomeini". *Hozoor (Attendance) Quarterly*, 12(63):156-135. (In Persian)
- Suri Laki, Mohammad Ali and Suri, Iraj (2014). "The modernization process; cultural-religious conflicts and the collapse of the second Pahlavi government". *Jarfa Paztoh Quarterly*, 3 (1): 49-70. (In Persian)
- Tajik, Mohammad Reza (2011). "Politics and Antagonism". *Aseman (Sky) Magazine*, 1(4): 44-41. (In Persian)
- Taqavi, Mohammad Kazem (1401) "Task of Taqiyyah"; One of Imam Khomeini's ballads on the subject of "Jurisprudential Rules". Jamaran information and news base. <https://www.jamaran.news>. Retrieved 6/5/1401(In Persian)
- Velaiati, Ali Akbar; Saeedmohammadi, Reza (2010). "Analysis of convergence experiences in the Islamic world". *Political Science Bi-Quarterly*, 6(11): 151-179. (In Persian)
- Wendet, Alexander (2005). *Social theory of international politics*, Translation: Hameira Moshirzadeh, Tehran: Ministry of Foreign Affairs. (In Persian)